



اقدامات ویژه برای حفظ ثبات در بازار ارز

همبستگی بالایی بین تحولات قیمتی غالب کالاها و خدمات با تغییرات نرخ ارز در اقتصاد ایران وجود دارد

تحلیل

محمداخباری

مدیرااره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی

زمانی بیشترین نرخ رشد را داشته و در این سال‌ها با تورم‌های بالا مواجه بوده‌ایم. شکل‌گیری تقاضای سفته‌بازی، تشدید شرایط نااطمینانی و به تبع آن افزایش انتظارات تورمی و بالا رفتن تقاضا برای خرید دارایی‌های فیزیکی و مالی نظیر خودرو، مسکن، طلا و سهام برای ایجاد پوشش ریسک کاهش قدرت خرید نقدینگی اشخاص، نتایج بروز آشفتگی در بازار ارز بوده است. در همین ارتباط لازم به توضیح است که به واسطه بسیاری از تغییرات نهادی که در اقتصاد ایران رخ داده، همبستگی بالایی بین تحولات قیمتی غالب کالاها و خدمات با تغییرات نرخ ارز در اقتصاد ایران وجود دارد و این همبستگی بالا ناشی از اثر بالای گذر نرخ ارز بر شاخص‌های مختلف قیمتی است. در چنین شرایطی، با افزایش قیمت کالاها و خدمات قاعدتاً تقاضای نقدینگی در اقتصاد افزایش می‌یابد، چرا که اگر قرار است تراز مانده واقعی پول حفظ شود و سطح گذشته

معاملات تحقق یابد، ضروری است تا نقدینگی مورد نیاز آن نیز تأمین شود. از سوی دیگر در اقتصادی که شرایط بی‌ثباتی و نااطمینانی را تجربه می‌کند، احتمال اینکه بروز شوک‌های برون‌زا موجب شود تا بخشی از این نقدینگی به سمت فعالیت‌های سفته‌بازانه جریان یابد و بازارهای دارایی را ملتهب‌تر سازد، وجود دارد. در این شرایط افزایش قیمت‌ها در بازارهای دارایی نظیر ارز، طلا، کالاهای بادوام نظیر خودرو، مسکن و... بر قیمت کالاها و خدمات تأثیر می‌گذارد و به دلیل تغییر قیمت‌های نسبی بار دیگر انتظارات افزایشی نرخ ارز شکل می‌گیرد و در واقع اقتصاد کشور وارد یک چرخه باطل افزایش نرخ ارز و تورم می‌شود. در چنین اوضاع و احوالی رشد اقتصادی محدودتر شده و نرخ سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد به شدت کاهش می‌یابد و عموماً نقدینگی به سمت مبادله کالای موجود و نه تولید کالاها و خلق ارزش افزوده جدید، جریان می‌یابد.

در چنین اوضاعی، اگر بخواهیم در بازار ارز ثبات ایجاد کنیم، ابتدا باید دلایل ایجادکننده بی‌ثباتی در بازار ارز را بشناسیم، که طبیعتاً بخش عمده‌ای از این دلایل به وضعیت منابع و مصارف ارزی فعلی و آتی اقتصاد کشور ارتباط می‌یابد. شرایط سیاسی کشور در حال حاضر به گونه‌ای است که انتشار اخبار در این حوزه تأثیرگذاری بالایی بر بازار غیررسمی داشته و عمده فعالان بازارهای اقتصادی براساس پیش‌بینی خود از تحولات آتی بازار ارز برنامه‌ریزی انجام می‌دهند. اخباری مانند نتیجه مذاکرات هسته‌ای، روابط خارجی با شرکای تجاری استراتژیک و تحولات قیمت نفت در بازارهای جهانی، از عمده مباحثی است که در بازار ریسک و نااطمینانی ایجاد می‌کند و بر تحولات بازار ارز تأثیر می‌گذارد. عوامل دیگری نیز برای ثبات‌بخشی به بازار ارز اهمیت دارند، اگر نتوانیم منابع ارزی پایدار برای اقتصاد کشور فراهم کنیم، در بازارهای جهانی فعالیت مؤثری نداشته باشیم

و سهمی را از بازار جهانی به خود اختصاص دهیم، از تولید کالاهای با ارزش افزوده پایین به سمت کالاهای با سطح فناوری بالا حرکت کنیم و شکاف تکنولوژیک را پر کنیم، تنوع در درآمد صادراتی غیرنفتی صورت نمی‌گیرد و با تداوم صادرات محصولات و مواد معدنی و با ارزش افزوده پایین، بخش خارجی اقتصاد کماکان در مواجهه با شوک‌های برون‌زا آسیب‌پذیر خواهد بود و شاهد ثبات بازار ارز در بلندمدت نخواهیم بود و نوسانات تنها به صورت مقطعی قابل کنترل بوده و باز هم به همان حالت بی‌ثباتی باز خواهیم گشت. سناریوهای مختلفی برای نظام ارزی و ایجاد ثبات در بازار ارز مطرح می‌شود. بعضاً این موضوع مطرح می‌شود که نرخ ارز بازار غیررسمی را ملاک قیمت‌گذاری قرار دهید تا سیاست‌های ارزی به سمت یکسان‌سازی در این شرایط سوق پیدا کند و نرخ بازارهای رسمی به سمت نرخ غیررسمی تعدیل شود.

اما موضوع این است که نوسانات بازار غیررسمی به واسطه تأثیرپذیری از اخبار و نااطمینانی‌ها بسیار شدید است و عملاً اگر به سمت ملاک قرار دادن این بازار برویم و نرخ‌های رسمی را بر اساس نرخ بازار غیررسمی تغییر دهیم، مشکلات اساسی ایجاد خواهد شد. در همین رابطه باید اشاره کرد که بازار غیررسمی کانال‌های عرضه و تقاضای خود را دارد و بخشی از این تقاضا به واسطه سیاست‌های تجاری و ممنوعیت‌های واردات از بازار رسمی به بازار غیررسمی منتقل شده و قاچاق ورودی کالا بخشی از تقاضای ارز در این بازار را تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر تحت شرایط نااطمینانی که بر فضای کلان اقتصاد حاکم شده، روند خروج سرمایه از کشور به شکل خرید واحدهای مسکونی در خارج از کشور طی سال‌های اخیر شدت گرفته و ارز مورد نیاز این بخش از تقاضای غیرمجاز ارز نیز از بازار غیررسمی تأمین می‌شود. ضمن اینکه بحث پوشش ریسک



اگر نرخ ارز غیررسمی را ملاک قرار داده و نرخ‌های رسمی را براساس آن تغییر دهیم، مشکلات اساسی ایجاد خواهد شد

دیگران باید از تجربه ایران الگوبرداری کنند

بانک مرکزی در سیاست تخصیص برنامه‌ریزی شده منابع پولی موفق بوده و کشورهای دیگر باید از تجربه ایران الگوبرداری کنند



تحلیل

کارمان ندردی

استاد دانشگاه امام صادق (ع)

آنچه در ادبیات به عنوان سیاست‌های تثبیت می‌شناسیم، با سیاست‌هایی که بانک مرکزی اجرایی کرده، متفاوت است. آنچه در دوران جنگ اتفاق افتاد و اکنون هم در ایران پیگیری می‌شود، این است که ما منابع کلیدی مانند منابع ارزی و منابع پولی را براساس مکانیسم بازار تخصیص نمی‌دهیم، بلکه منابع ارزی و پولی را به صورت دستوری و با نرخ دستوری تخصیص می‌دهیم که این شیوه تخصیص منابع در کشورهایی که براساس برنامه‌ریزی متمرکز عمل می‌کردند، متداول بوده است. البته آنها بسیار فراگیرتر و با دامنه بیشتری این کار را انجام می‌دادند و ما این سیاست را در حوزه پولی و ارزی پیش می‌بریم. بنابراین سیاست‌های تثبیت به معنایی

که در ادبیات اقتصادی وجود دارد، در حال حاضر اصلاً مطرح نیست و نباید وارد این ادبیات شد. اکنون بحث تخصیص منابع پولی به نیازهایی است که در کشور داریم و شرایط اقتصادی که ابتدای بحث اشاره شد ما را به این صرافت انداخته که دارو و کالاهای اساسی را با یک نرخ و مقدار کنترلی تأمین کنیم و نیازهایی که در درجه دوم قرار می‌گیرند با نرخ و مقدار متفاوتی تأمین شود که این روش در هیچ‌یک از نظامات ارزی ثابت و شناور نمی‌گنجد و یک تفکر غیربازاری بر آن حاکم است. به نظر می‌رسد سیاستگذار ابتدا باید تکلیف خود را با این مقوله روشن کند. در زبان ما می‌گوییم بازار، اما عملاً چپ‌گرایی است و در عمل با این توجیه که شرایط ویژه خود را داریم، به صورت جبری به سمت یک سیستم برنامه‌ریزی شده تخصیص ارز رفته‌ایم که در هیچ‌یک از چهار دسته‌بندی نظامات ارزی نمی‌گنجد. در حوزه ریال هم به این شکل است و نرخ‌های بهره به صورت دستوری تعیین می‌شود و نرخ و مقدار تسهیلات به نظام بانکی دیکته

می‌شود و ظاهراً هم گفته می‌شود بر اساس مبانی بازار عمل می‌کنیم، که به نظر من به هیچ وجه این گونه نیست، به تخصیص منابع پولی به نیازهای ما، اما به هر حال بزرگان کشور در ۴۳ سال گذشته هر وقت در این شرایط قرار گرفته‌اند، این مسیر را رفته‌اند و هر زمان هم با آنها صحبت کرده‌ایم، گفته‌اند که شما متأثر از مباحث آکادمیک، تئوریک و نظری هستید و در شرایط فعلی کشور راه دیگری وجود ندارد. ما در حوزه حکمرانی پولی کاملاً برنامه‌ریزی شده عمل می‌کنیم و به نظر من نیاز به یک تصمیم سیاسی و استراتژیک داریم که به سمت تعدیل برویم، البته در ابتدا با تورم‌های بسیار بالا مواجه خواهیم شد و در همه دنیا نیز این موضوع تجربه شده است. لذا احتمالاً ترس از این اثرات توری است که اجازه نمی‌دهد از این سیستم برنامه‌ریزی شده عقب‌نشینی کنیم. تجربیات جهانی نشان می‌دهد که برای بیرون آمدن از این سیستم برنامه‌ریزی شده که ایجاد کرده‌ایم،

نیاز به کمک‌های بین‌المللی داریم و تا زمانی که روابط بین‌المللی ما محدود است، این کار آسان نخواهد بود و هزینه زیادی برای ما خواهد داشت. به نظر من، اولین پیش‌شرط حرکت به سمت آزادسازی و نظام مبتنی بر بازار، رفع تحریم‌ها و رسیدن روابط بین‌المللی کشور به یک حد نرمال خواهد بود. سیاستی که در حال حاضر بانک مرکزی اجرا می‌کند، تثبیت نیست بلکه یک ساختار تخصیص برنامه‌ریزی شده منابع پولی است. در این ساختار موجود بانک مرکزی بهترین عملکرد را داشته، اما بهترین اقدامات هم در این ساختار بیش از این تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه ساختار را عوض کنیم که البته ساختار شکنی کار سختی است و رئیس کل برای تغییر ساختار باید نفوذ، ارتباط و حمایت کافی را داشته باشد. ساختار موجود هم ذینفعان خود را دارد که الزاماً به فکر منافع ملی نیستند. دکتر مظاهری اشاره کردند در ژاپن در زمان جنگ ۷۰٪ نرخ ارز وجود داشت، اما شما باید فرهنگ ژاپنی را هم در نظر بگیرید که بیش‌اعلامی



در سیاست برنامه‌ریزی شده کشورهای دیگر باید از تجربه ایران الگوبرداری کنند، ۴۳ سال تحریم بوده‌ایم و واقعاً در سیستم برنامه‌ریزی شده منابع پولی خوب عمل می‌کنیم